

## نسخه مولوی برای پاسخ به تنش‌های هویتی چیست؟

رئیس دانشگاه اصفهان با بیان اینکه مولوی مختص ایران نیست بلکه متعلق به همه جهان است و صحبت‌های او مباحث انسانی است ...



ایسنا/اصفهان رئیس دانشگاه اصفهان با بیان اینکه مولوی مختص ایران نیست بلکه متعلق به همه جهان است و صحبت‌های او مباحث انسانی است که هویت قومی، قبیله‌ای و ملی، مذهبی را مایه تمایز و برتری و تخاصم نمی‌داند، گفت: باید به این نقطه مشترک رسید که «من کیستم؟ من انسانم» و وحدت در عین کثرت، نسخه مولوی به عنوان یک عارف برای پاسخ به این پرسش و چالش اصلی جهان است.

حسین هرسیج در آیین گشایش چهارمین همایش بین‌المللی مولوی پژوهی که امروز یکشنبه (۲۳ مهرماه) در دانشگاه اصفهان برگزار شد، به ضرورت انتقال و آموزش میراث فرهنگی و تمدن اسلامی ایرانی به ویژه به نوجوانان و جوانان، اشاره کرد و گفت: مقام معظم رهبری نیز اشاره داشته‌اند که «نوجوانان و جوانان کشور ما با میراث فرهنگی و تمدنی خود کمتر آشنایی دارند.» این غفلت از سوی ما مسئولین صورت گرفته که به این گونه همایش‌ها بسنده می‌کنیم، در صورتی که این مباحث باید در طول سال استمرار داشته و آموزش و آشنایی نوجوانان و جوانان با آثار فرهنگی همیشه و همواره وجود داشته باشد تا ما به تمدن و غنای فرهنگی خود افتخار کنیم.

هرسیج بیان کرد: در عین حال که باید موارث فرهنگی و تمدنی خود را به نحو شایسته بشناسیم، باید به این موضوع نیز توجه کنیم که این عزیزانی که دانش و سخن آنها فراتر از زمان و مکان است چه توصیه‌ها و پیشنهادهایی برای حل معضلات و مشکلات امروز ما در سطح ملی و بین‌المللی دارند؟

او افزود: یکی از مسائل و مشکلات اساسی و مبنایی که در جهان امروز وجود دارد تنش‌ها و ستیزهای هویت محور است که به ویژه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی حادث شد و علی‌رغم اینکه پیش‌تر هم وجود داشته ولی بعد از آن فروپاشی بیشتر جنبه تمدنی پیدا کرده است. لذا خواهش من این است که این مسئله را به عنوان یک موضوع پژوهشی در نظر بگیرید که پاسخ مولوی به این بزرگ‌ترین چالش در عصر ما چیست؟

رئیس دانشگاه اصفهان سپس به دو نظریه مطرح شده از سوی «فرانسیس فوکویاما» و «ساموئل هانگتینتون» اشاره کرد و توضیح داد: «فرانسیس فوکویاما» نویسنده کتاب «پایان تاریخ و انسان» است و بیان می‌کند که تنها بلوک باقی مانده بلوک غرب است و لیبرال دموکراسی پیروز میدان است؛ از این رو هیچ آلترناتیو دیگری در مقابل تمدن غرب وجود ندارد. البته علی‌رغم ادعای پیروزی، او موضوع آخرین بشر را مطرح کرده و آینده بشریت را این گونه می‌بیند که انسان‌ها در پوچی، سردرگمی و حیرت به سر می‌برند و گویا تاریخ در جایی متوقف شده است. هانگتینتون یکی از استراتژیست‌های آمریکایی است که تمایل به تداوم سلطه غرب دارد و موضوع ستیز یا تنش تمدن‌ها مطرح می‌کند.

او ادامه داد: بحث اصلی در این دو نظریه، تنش هویتی است و نسخه‌های این دو نظریه به این موضوع انجامید که بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جنگ‌های مختلفی درگرفت و بسیاری از انسان‌ها و جوامع، احساس پوچی کردند که تا امروز نیز ادامه دارد. در این قضیه، نسخه مولانا چیست؟

هرسیج گفت: «من کیستم» مراتب مختلفی دارد و در این خصوص گاهی هویتی فردی و گاهی هویت خانوادگی، قومی، قبیله‌ای و ملی مطرح است. اکنون نیز مسئله مطرح در غزه به همین موضوع بازمی‌گردد، یعنی عده‌ای خود را قوم برگزیده می‌دانند و بقیه باید از آنها تبعیت کنند که این موضوع نیز نتیجه همان تفکر است که تکرر نمی‌پذیرد و می‌خواهد با فریب و نیرنگ و یا با زور، تبدیل فرهنگی و تمدنی را انجام دهد. اما نسخه ما چیست؟ نسخه مولوی چیست؟ این موضوع به کار پژوهشی عمیق نیاز دارد و فعالیتی بین رشته‌ای است، یعنی ادبیات باید به کمک رشته‌های علوم اجتماعی و سیاسی آمده و نسخه‌ای جدید در این خصوص پیچیده شود.

او بیان کرد: یا مطالعات اندکی که من داشته‌ام، نسخه این مسئله، بحث وحدت در عین کثرت است؛ یعنی پذیرش رنگ‌ها و اقوام و قبایل مختلف، اختلافات را طبیعی انگاشتن و تمایز و تکرر را دیدن، که این موضوع دقیقاً در آیه «إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ» اشاره شده است. این موضوع که اختلافی در شعور و قبایل وجود دارد امری خدادادی بوده و اکتسابی و مایه برتری نیست، بحث مردسالاری و زن‌سالاری نیز در آن جای ندارد و نباید موجب فخر و تمایز شود، پس باید تکرر را پذیرفت و یکدیگر را به رسمیت شناخت. اختلافات مایه افتخار و برتری نیست و در غیر این صورت تفکری شیطنانی است.

رئیس دانشگاه اصفهان ادامه داد: یهودیت، غربی بودن را دلیل بر برتری می‌داند، در صورتی که همان‌طور که خداوند فرموده، مولوی نیز در اشعار مختلف خود تکرر را به رسمیت شناخته است.

هرسیج با بیان اینکه فراتر از بحث قومی، قبیله‌ای و ملی، جنبه انسانی و جهان‌وطنی انسان قرار دارد، تصریح کرد: اگر ما از تمدن اسلامی و مولوی بحث می‌کنیم باید اشاره کنیم که مولوی مختص ایران نیست بلکه متعلق به همه جهان است و صحبت‌های او بحث‌های انسانی است که هویت قومی، قبیله‌ای و ملی، مذهبی را مایه تمایز و برتری و تخاصم نمی‌داند.

او افزود: همه ما مخلوق هستیم، کرامت انسانی از همه مهم‌تر است و همه در آن مشترک هستیم و در عین کثرت باید وحدتی

را در نظر گرفت. اگر همه به این تفاهم برسیم ستیزی وجود نخواهد داشت و صلح عادلانه و نه صلح مسلح برقرار خواهد بود. صلح پایدار یعنی اگر انسان بی گناهی کشته شود مانند آن است که همه انسان ها کشته شده اند و اگر انسانی را احیا کردیم گویا همه انسان ها را احیا کرده ایم. این مکتب و این تفکر که تفکر دینی تمدنی و برآمده از میانی قرآنی و مولوی است که در رأس عرفان قرار دارد، باید ساری و جاری شود تا صلحی پایدار و عادلانه در همه جهان گسترش پیدا کند.

ریس دانشگاه اصفهان بیان یادآوری کرد: بنابراین در نهایت باید به این نقطه مشترک رسید که «من کیستم؟ من انسانم» و وحدت در عین کثرت، نسخه مولوی به عنوان یک عارف برای پاسخ به این پرسش و چالش اصلی جهان است. ما باید سردمدار این تفکر در جهان باشیم و به جای تعصبات قومی، قبیله ای و نژادی این نسخه را با ابزارهای مختلف به کار ببریم.